

تصحیح انتقادی «مجنون و لیلی» امیر خسرو دهلوی و برشمردن ویژگیهای آن

(ص ۳۷۵ - ۳۵۷)

عباس ماهیار^۱، جواد کبوتری (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۱/۱۰/۹

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۱/۱۲/۷

چکیده

رسالت خطیر اهل ادب، پاسداشت میراث فرهنگی و ذخایر گرانبهای ادب فارسی است که در قالب نظم و نثر، زبان و ادب فارسی را غنا میبخشد. تصحیح، تعلیقه‌نویسی و در دسترس قرار دادن این آثار از اهم وظایف پاسداران علم و ادب است. بعضی از این آثار به همت پیشینیان فاضل و بزرگان دانشمند تصحیح شده و بعضی دیگر در هیأت همان نسخ خطی و بکر باقی مانده‌اند و یا اگر تصحیحی صورت گرفته بنا به دلایلی مانند کم‌دقتی مصححین یا عدم دسترسی آنان به نسخ کهن‌تر اقدام به تصحیح مجدد را ضروری کرده است. از جمله این آثار، میتوان به آثار امیر خسرو دهلوی شاعر قرن هفتم و هشتم هجری قمری اشاره نمود. در این مقاله به بررسی شیوه تصحیح، معرفی نسخ خطی، رسم الخط و نحوه نگارش نسخه تصحیح شده و ویژگیهای سبکی این اثر در حوزه‌های زبانی، ادبی و فکری پرداخته شده است. در سطح زبانی به مسائل مهم دستوری شامل کاربرد فعل، ساخت و استفاده از ترکیبات اسمی، جایگاه صفات و وفور استفاده از آنها پرداخته شده است. در سطح ادبی به سه مقوله: معانی، بیان و بدیع توجه شده و در حوزه فکری به بعضی گرایشهای شاعر به افکار و اندیشه‌های صوفیانه، برخی مسائل کلامی و شرعی که در شعرش هویدا شده‌اند، اشاره شده است.

کلمات کلیدی

سبک، تصحیح و نگارش، مجنون و لیلی، ویژگیهای زبانی، ادبی و فکری

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج.

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. javadkubutari@yahoo.com

مقدمه

امیرناصرالدین ابوالحسن خسرو بن امیرسیف الدین محمود دهلوی از عارفان و شاعران نام آور پارسیگوی هندوستان در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری است. از وی با عناوین: سلطان الشعرا و برهان‌الفضلا، خسرو شیرین زبان رنگین بیان (مجله هلال، محمدریاض، ص ۱۳)، خسرو قلمرو معانی و صاحبقران سواد اعظم سخندانی (دیوان امیرخسرو دهلوی، بکوشش سعید نفیسی، ص ۲۹۹)، طوطی هند، و... یاد شده است:

چو من طوطی هندی ار راست پرسی ز من هندوی پرس تا نغز گویم
 پدرش سیف الدین محمود از امرای قبیله لاجین از ترکان ختای ماوراءالنهر ساکن شهر «کش» و به همین علت به امیر لاجین معروف و مشهور بود. دولت‌شاه سمرقندی میگوید: اصلا و از شهر کش - آن شهر را قبه‌الخضرا مینامند - بوده است (تذکره دولت‌شاه سمرقندی، ص ۲۶۵). در روزگار حمله و استیلای مغول و تاتار، امیرسیف‌الدین محمود مانند بسی دیگر از ساکنان نواحی شرقی فلات ایران به هندوستان رفت و این مصادف بود با دوره پادشاهی شمس الدین التمش (۶۳۳-۶۰۷ هـ) بر دهلی و نواحی شمالی هند و ناحیه سند.

امیرخسرو خود در یکی از اشعارش اشاره‌ای صریح به سال ولادتش دارد:
 کنون که ششصد و هشتاد و چار شد تاریخ مرا ز سی و سه آمد نوید سی و چهار

یعنی: ۶۵۱=۳۳-۶۸۴ (تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح‌اصفا، ج ۳، ص ۴-۷۷۲).

پدرش سیف الدین محمود، امیر خسرو را که هنوز خردسال بود به شرف دستبوس سلطان المشایخ شیخ نظام الدین محمد بن احمد دهلوی معروف به نظام الدین اولیاء (متوفی به سال ۷۲۵ هـ) از کبار مشایخ چشتیه برد و از آن پس خسرو تا پایان حیات، ارادت خود را نسبت بدان پیر حفظ کرد و خود در شمار سلسله عرفای چشتیه درآمد. (همان، ۷۷۵). خسرو در همان اوان جوانی به تعلیم علوم ظاهریه سرگرم بود، امیر در سن بیست سالگی متبحر علوم متداول عصر خود گردیده است. او زبانهای عربی، فارسی، سانسکریت و لهجه‌های متعدّد محلی را نیکوآموخته بود. خسرو نابغه عصر بود (مجله هلال، ص ۱۲). خسرو ملازم درگاه معزالدین کیقباد (۶۸۹-۶۸۶ هـ) و سپس مقرب درگاه جلال‌الدین فیروزشاه خلجی (۶۹۵-۶۸۹ هـ) شد و مانند پدر و برادر خود در زمره امرا درآمد و به همین سبب عنوان امیر گرفت و به «امیرخسرو» اشتهار یافت. امیر در سفر تغلق شاه به بنگاله همراه او بود و در بازگشت از آن دیار به سال ۷۲۵ هجری چون در راه شنید که مراد او شیخ نظام‌الدین اولیا در گذشته، ترک خدمت گفت و به دهلی شتافت و مجاور قبر مرشد خویش گردید و هرچه داشت به بینوایان بخشید و بعد از شش ماه در ذیقعدۀ سال ۷۲۵ هجری بدرود حیات

گفت و در جوار نظام اولیاء به خاک سپرده شد و ملاشهاب معمایی در واقعه فوتش این ماده تاریخ را به نظم درآورد:

میر خسرو، خسرو ملک سخن	آن محیط فضل و دریای کمال
نثر او دلکش تر از ماء معین	نظم او صافی تر از آب زلال
بلبل داستان سرای داد و دین	طوطی شکر مقال بی زوال
از پی تاریخ سال فوت او	چون نهادم سر به زانوی خیال
شد «عبدیم المثل» یک تاریخ او	دیگری شد «طوطی شکر مقال»

(تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، صص ۷-۷۷۶)

تصحیح نسخه خطی مثنوی «مجنون و لیلی» و شیوه نگارش آن

در سال ۱۹۶۴ میلادی آقای طاهر احمد اوغلی محرم اوف منظومه مجنون و لیلی را در ۲۶۱۴ بیت تصحیح نمود و در همان سال توسط انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم جمهوری آذربایجان شوروی چاپ و منتشر گردیده است. نسخه اساس این تصحیح، نسخه-ای است متعلق به سال ۱۳۵۵ میلادی یعنی مصادف با سال ۷۷۱ هجری که به نسبت کهن ترین نسخه موجود در ایران قدمت کمتری دارد. قدمت نسخه های دیگر نیز از قدمت نسخه های موجود در ایران و مورد استفاده در نسخه حاضر کمتر است؛ چنانچه به ترتیب قدمت نسخه های دوم تا هفتم تصحیح چاپ آذربایجان، سالهای: ۸۲۵، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۹۱، ۹۸۵ و ۱۰۲۲ قمری است.

پس از بررسی فهرست نسخ خطی مشخص گردید که نسخه های کهن تری از آن در ایران وجود دارد که کهن ترین آنها متعلق به سال ۷۱۴ هجری است و کتابت این نسخه از ده سال مانده به پایان حیات شاعر صورت گرفته است. تاریخ کتابت نسخه بدلهای موجود در ایران، علاوه بر نسخه فوق، به ترتیب زیر است؛ سالهای: ۸۰۲، ۸۱۱، ۸۲۴، و ۸۶۳ هجری قمری؛ بنابراین، اقدام به تصحیح مجدد ضروری مینمود. با توجه به این که امیر خسرو دهلوی از دو جهت در ادبیات فارسی نقش ایفا کرده است، شناخت و به تبع آن معرفی وی و در دسترس قرار دادن آثارش به دوستداران ادب فارسی امری ضروری است: یکی به دلیل این که امیر خسرو از شاخصها و ارکان ادب فارسی در شبه قاره هند است و دیگری به سبب این که وی بزرگترین مقلد نظامی در سرودن خمسه است.

پیشینه تحقیق

علاوه بر نسخه چاپ آذربایجان که در بالا ذکر شد، منظومه «مجنون و لیلی» امیر خسرو دهلوی، سه بار در هندوستان به چاپ سنگی رسیده است: یکی به سال ۱۲۴۴ هجری در کلکته، دیگری در سال ۱۲۸۶ هجری در لوکناو، و سومین چاپ به سال ۱۳۲۴ هجری قمری در شهر علیگره. چاپ سوم با تصحیح مولانا محمد حبیب‌الرحمان خان صاحب حسرت شروانی انجام شد. در سال ۱۳۴۳ شمسی مرحوم سعید نفیسی مقدمه‌ای بر دیوان کامل امیر خسرو دهلوی نوشته و بر اساس چاپ سنگی هند آنرا در ایران منتشر کرده است. در سال ۱۳۶۲ آقای احمد اشرفی، ضمن نوشتن مقدمه کوتاهی بر خمسه امیر خسرو، آن را بر اساس نسخه چاپ مسکو در ایران منتشر کرده است (تصحیح نگارنده این مقاله از «مجنون و لیلی» با توجه به اینکه برای نخستین بار این کار در ایران انجام میشود و نیز نسخ خطی مورد استفاده، قدمت بیشتری از نسخ چاپ آذربایجان دارند، این تصحیح دارای ارزش و اعتبار بیشتری است. در این مقاله به معرفی این نسخه و ذکر بعضی ویژگیهای سبکی آن پرداخته شده است.

معرفی نسخه‌ها

نسخه (A): مورخ ۷۱۴ قمری؛ این نسخه به شماره ۹۲۱/۲ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری میشود. مجنون و لیلی در حاشیه کتاب خمسه نظامی، از صفحه ۴۲۱ تا ۵۶۹ آمده است. از ابتدا تا بیت ۱۰۳۲ در حاشیه خسرو و شیرین و از بیت ۱۰۳۳ تا پایان در حاشیه لیلی و مجنون نظامی آمده است. کاتب: روح الله بن علی بن عماد الاسلام جمال الاسلامی، و با خط نستعلیق نوشته شده است. در این نسخه از صفحه ۵۵۰ بیت ۲۲۳۴ و فریم ۲۷۸ رسم الخط عوض شده است و با خط نستعلیق نوشته شده که به نسبت زیباتر از دستخط قبلی است و حروف دنداندار به شکل کشیده نوشته شده‌اند. در نسخه علاوه بر اشتباهات فاحش که در ادامه بیان میشود، در موارد متعدد افتادگی واژگان و گاهی افتادگی یک مصرع کامل دارد و این نشان آن است کاتب هر جا نمیتوانسته نسخه در دسترس خود را بخواند آن را خالی میگذاشته و میگذشته. نیز گاهی جای دو مصرع عوض شده است و گاهی مصرع اول بیتی با مصرع دوم بیت دیگر با هم آمده‌اند. چند مورد از نکات قابل تأمل در این نسخه در زیر به عنوان نمونه ذکر میشود:

الف. کلمه «طاووس» که در زبان فارسی امروزی با دو «و» نوشته میشود به شکل «طاوس» آمده است.

ب. کاربرد «ذ» در معرض «د»: چون دید نشان آشنایی داذ انده سینه را دوایی

- ج. نوشتن «آنچه و اینکه» به شکل: آنچه و اینک.
- آنکس که قدم چنان سپر داشت انصاف خود آنچه بود برداشت
بخت اینک سخن سبک عنان است کان بر دل و گنج بر زبان است
- د. جدا نوشتن «ب» تأکید و زینت:
- مانی که قلمزن خیال است مانند به بستنش محال است
- نسخه (B): مورخ ۸۰۲ هجری قمری؛ این نسخه به شماره ۲۹۷۸ در کتابخانه ملی نگهداری می‌شود. بخش مجنون و لیلی از ص ۸۹ تا ص ۱۶۲ خمسه امیر خسرو دهلوی آمده و در حاشیه آن آئینه سکندری امیر خسرو آمده است. کاتب: محمد بن ورقه بن عمر بن بختیار بهبهانی، با خط نسخ نوشته شده است. در نسخه B تعداد ابیاتی که نسبت به نسخه اساس وجود ندارد، حدوداً ۸۰ بیت است.
۱. چند مورد از نکات قابل تأمل در این نسخه در زیر به عنوان نمونه ذکر میشود:
- الف. حرف «ک» پایان کلمات به شکل «ل» سرکج دار نوشته شده است:
اشکش بجگر نمل نه کم داشت گویی نملو جگر بهم داشت
ب. چسبیده نوشتن «به» حرف اضافه به متمم آن. مانند نمونه در بیت قبل.
- ج. استفاده از الف مددار در وسط کلمه:
آن کین دو هنر به دست دارد شک نیست که هر چه هست دآرد
- د. به درست نوشتن قافیه توجه نشده است:
اندر صف آن بتان شیری چون زهره به ثور و مه به پروین
زانو زده قیس در دگر سو هم چرب زبان و هم سخنگوی
- ه. سرهم نوشتن دو کلمه مجزا و مستقل:
چسود خرامش تو در باغ چون جلوه کبک ننگرد زاغ
و. استفاده از شکل عربی بعضی کلمات. حیات ← حیوة
در تن چو رگ حیوة بگسست از حیلہ گره کجا توان بست
- ح. گاهی تغییر شکل نگارش یک حرف توسط کاتب، سبب اشتباه کاتبان بعدی شده است؛ مثلاً، به جای هم نوشتن دو شکل حرف «ت» و «ة» که شکل «ة» مدّور وقتی به صورت «ه» نوشته شود باعث غلط املائی و معنایی میشود: در نسخه B در بیت:
برپای کن بلند وپستی پروانه ده برآه هستی

کلمه «برات» - که شکل درست واژه است - را به شکل «براه» نوشته که قطعاً نتیجه نگارش دوگانه یک حرف و در نتیجه بی دقتی کاتبان است. در نسخه A برعکس مورد قبل، در بیت:

آن بخش که از توأم دهد یاد و آن ده که برات تو توان داد

کلمه «براه» - که شکل درست واژه است - به شکل «برات» نوشته شده است.

۳. نسخه اساس (C): مورخ ۸۱۱ هجری قمری؛ این نسخه به شماره ۱۱۸۸۰ در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی قم نگهداری میشود. رسم الخط این نسخه همانند نسخه A میباشد. نگارش کلمه «شصت» عددی به شکل «شست»، و «قفص» به شکل «قفص» یکی از ویژگیهای این نسخه است.

۴. نسخه (D): مورخ ۸۲۴ هجری قمری؛ این نسخه به شماره ۲۴۹۹/۲ در کتابخانه ملی نگهداری میشود. بخش مجنون ولیلی امیرخسرو در حاشیه خمسه نظامی و بخش لیلی و مجنون، از صفحه ۱۳۹ تا صفحه ۲۵۶ کتاب آمده است. کاتب: نامعلوم و با خط نستعلیق نوشته شده است. این نسخه فقط در چهار مورد در پایان نسخه و گرنه قسمتهای مختلف داستان، عنوان ندارند و جای عنوان خالی است؛ شاید کاتب میخواسته در پایان کار با خط یا مرکب دیگری آنها را بنویسد(؟) اما به هر دلیل این کار انجام نشد. در نسخه D، پس از بیت ۲۴۸۴ تعداد ۱۱۰ بیت را ندارد. در این نسخه، دال و ذال گاهی در معرض یکدیگر قرار گرفتند. رسم الخط این نسخه بگونه‌ایست که به حروف نقطه‌دار خیلی توجه نشده و نیز حرف گاف بیشتر به شکل کاف نوشته شده است؛ مثلاً بیت:

دوری همه گرچه کوب پشت است دوری ز برادران درشت است
به این شکل آمده است:

دوری همه کرجه کوب ستست دوری ز برادران درشتست
یا در بیت: اندیشه گم اندرون صدرش ز اندیشه برون قیاس صدرش

حروف: «ق» و «ش» یکبار با نقطه و یکبار بدون نقطه آمده اند.

نکته: در اکثر موارد نسخه‌های A، B و D به شکل یکسان نسبت به نسخه اساس جابجایی ابیات دارند.

۴. نسخه (E): مورخ ۸۶۳ هجری قمری؛ این نسخه به شماره ۲۱۶۶ در کاخ سلطنتی گلستان نگهداری میشود. با توجه به این که نسخ خطی کاخ گلستان بر اساس فهرست آتابای دسته بندی شده‌اند، این نسخه در فهرست مذکور ردیف ۱۴ است. کاتب: سلطان علی و با خط نستعلیق نوشته شده است. رسم الخط این نسخه بیشتر همانند نسخه C است.

علاوه بر پنج نسخه فوق، نسخه چاپ آذربایجان شوروی و ده نسخه خطی دیگر که از نظر قدمت پس از این پنج نسخه قرار دارند، پیش رو داشتیم و هرگاه در خواندن متن با مشکل مواجه میشدم یا تنها یک نسخه قابل خواندن بود به آنها مراجعه میکردم.

ارزش نسخه‌ها

در کار تصحیح نسخه‌ای ارزش بیشتری دارد که اولاً: از نظر قدمت به عصر شاعر نزدیکتر باشد و ثانیاً: غلط‌های کمتری داشته باشد.

در ابتدا ما نسخه A را به عنوان نسخه اساس انتخاب کردیم و این به دو دلیل بود: اولاً این نسخه قدیمی‌ترین نسخه خطی در ایران است، ثانیاً این نسخه در سال ۷۱۴ هجری کتابت شده است و وفات شاعر سال ۷۲۵ هجری بوده است؛ با احتمال این که ممکن است شاعر خود، این نسخه را رؤیت کرده باشد به عنوان نسخه اساس قرار گرفت، اما وقتی که کتابت پنج نسخه به اتمام رسید و مقابله و تطبیق نسخ آغاز شد، متوجه شدیم که شرط دوم را ندارد؛ یعنی، کاتب فرد باسواد و آگاهی نبوده است و تنها کتابت میکرد به غلط‌های فاحشی برخوردیم که با مشورت اهل فن پس از تطبیق نسخه معلوم شد که منبع کاتبان نسخه A و نسخه C میتواند یکی باشد، اما کاتب نسخه A دقت و آگاهی کافی را نداشته است؛ بنابراین نسخه C به عنوان نسخه اساس قرار گرفت و در نتیجه تعداد غلط‌های فاحش و تغییرات در نسخه اساس به حداقل رسید. به عنوان مثال چند نمونه از مواردی که باعث تغییر نسخه گردید بیان میگردد:

پس از بیت ۱۰۴: نسخه A: نعت خاتم انبیا که لوح محفوظ نگین راستین اوست.

نسخه C: نعت خاتم انبیا که لوح محفوظ، نگین راستین اوست.

پس از بیت ۲۳۸: نسخه A: در خطاب این اسکندر ثانی و مسند عصمت مسلمانی ایده

الله الکان سریره علی قوام التأيید و اید بلسان شدیدة و علی التأيید.

نسخه C: در خطاب زمین بوس این اسکندر ثانی و سد عصمت مسلمانی ابدالله ارکان سریره

علی القوام التأيید و اید بنیان سریره علی القواعد التأيید.

از متن ابیات مثنوی نیز دو نمونه از این اشتباهات ذکر میشود:

در بیت ۱۴۸ نسخه A:

بست از دو دوال بنسد نعلین شهبند غرض نقاب قوسین
نسخه C:

بست از دو دوال بنسد نعلین شهبند غرض بقاب قوسین
یا در بیت ۲۴۵ نسخه A:

در مشّت تو نقد جمله هستی
 احسنند زهی فراخ دستی
 نسخه C :

در مشّت تو نقد جمله هستی
 احسنت زهی فراخ دستی

با توجه به این که کاتب نسخه A واژه «ارکان» را «الکان» یا واژه «احسنت» را «احسند» نوشته‌اند، ممکن است جهت سرعت در امر کتابت، فردی برای کاتب قرائت میکرد و وی مینوشته است. میتوان گفت که کاتب یا فرد قاری متن، فرد آشنا به متون و علوم ادبی نبوده است، وگرنه حتی اگر در «بقاب قوسین» حرف «به» که در کتابت آن روزگار به صورت متصل به متمم نوشته میشد، نقطه هم نداشت می‌شد حدس زد که ترکیب «بقاب قوسین» است نه شکل مضبوط در نسخه A. با توجه به این مطالب نسخه C نسخه اساس قرار گرفت.

در این قسمت به شرح زیره بیان ویژگیهای سبکی این اثر میپردازیم:

الف. حوزه ویژگیهای زبانی

الف/۱: ویژگیهای صرفی

استفاده از بعضی ترکیبات خاص و انحصاری، مانند: چپ زدن. در لغتنامه دهخدا تنها شاهد مثال برای این ترکیب، همین بیت امیر خسرو آمده است و در جای دیگر نمونه‌ای یافت نشد.

در چپ زدن خرد شوی راست دانی چپ خود ز جانب راست (ب ۳۵۵)
 به کاربردن واژه هائی خاص که کاربرد آنها چندان رایج نیست
 چون رخت کلال خاک باشد از نقب زنش چه باک باشد (ب ۴۸۱)
 اشتر که ز خور تهی شدش کاز خورده ز گلوی خود خورد باز (ب ۸۴۶)
 نیز کلماتی مانند: داج، رزیده، جواز، نهمار و...

استفاده از ترکیبات خاص

ور تو به غزا شوی سرآهنگ باسهل خصومتان مکن جنگ (ب ۴۷۵)

نیز ترکیباتی مانند: خامه زن، خنجر آشام، مادر پخت، فرخ انجام، جراحات انگیز، صید فرسای، قصاص هجران، وفاسگالی، بیگانه نمای آشناروی، سرنگونسار، خصم در پوست، تنک شراب، دوستگانی، دم لابه کردن، دشمن دوست روی.

به کار بردن تعبیرات کنایی خاص

(ب ۳۹۸)	از پهلوی خویش میخورد شام	در شعبده مرد خنجر آشام
(ب ۶۱۵)	وز پهلوی خود کباب میخورد	از خون جگر شراب میخورد

الف/۲: کاربرد کلمات

به کار بردن واژه «عدم» در معنای جهان دیگر

(ب ۲۲۷۴)	با همیره عشق در <u>عدم</u> رفت	کان بت چو ازین سرای غم رفت
(ب ۲۳۰۷)	بستان <u>عدم</u> فراخ سایه است	گر فرجه خاک تنگ مایه است

به کار بردن واژه «ته» در معنای زیر:

(ب ۱۰۳۸)	کاندر <u>ته</u> کشته شد زمین گم	چندان به زمین فتاد مردم
(ب ۲۲۱۸)	پیوند وفا برم <u>ته</u> خاک	تا با خود از آن مصاحب پاک

به کار بردن واژه «درونه» در معنای درون، که بسامد نسبتاً بالایی (۲۰ بار) دارد.

به کار بردن یک واژه در دو معنی خاص

(ب ۳۷۳)	این نامه <u>پیچ</u> تا <u>نیچی</u>	آن به که به جهد کم بسیجی
---------	------------------------------------	--------------------------

بار اول به معنی «درنوردیدن» و بار دوم به معنی «گرفتار شدن، متألم شدن» آمده است.

به کار بردن واژه «گرفتن» در معنی مؤاخذه کردن

(ب ۸۹)	گر نامه سیه بود <u>مگیرم</u>	چون من رقم از تو میپذیرم
--------	------------------------------	--------------------------

الف/۳- کاربرد فعل

استفاده از فعل پیشوندی، مرکب و عبارت فعلی

(ب ۵۴۹)	و آیین <u>طرب</u> ز سر گرفتند	آن نکته به سهل برگرفتند
(ب ۷۳۱)	مجنون زمانه نام کردند	رازش به زمانه عام کردند

استفاده از فعل مضارع محقق الوقوع

(ب ۱۳۶۳)	بازیچه <u>شدی</u> به گفت دشمن	چون باز کشی زدوست دامن
----------	-------------------------------	------------------------

استفاده از بن مضارع «بودن» به شکل «بو»

(ب ۱۰۷۷)	معذور <u>بوی</u> ولی بیندیش	گردیده به صدجفا کنی ریش
(ب ۱۳۵۸)	دشمن <u>بوم</u> ار نه دوستدارم	آن یار که دوست داشت یارم

جدا آوردن اجزای فعل مرکب

این گشته به آب دیدگان مست
هرچند که غنچه بود سربست
و آن گشته زجان خویشان دست (ب۶۰۳)
میکرد زبوی خلق را مست (ب۶۳۳)

جدا نوشتن جزء منفی فعل

زینسان که تورا سخن بلند است
خاموشی تو نه دلپسند است (ب۳۳۴)

استفاده از شکل کامل مصدر همراه فعلهای کمکی قابل صرف کردن

خواهم به ستایش تو بودن
من خود چه توانمت ستودن (ب۷۴)

تقدم اجزای فعل بر یکدیگر

من نیز چنانکه خواندم این حرف
نامرده ز رشته جست نتوان
اینجا همه کرد خواهش صرف (ب۳۴۱)
وین رشته ز خود گسست نتوان (ب۸۳۴)

بکار بردن فعل کمکی ماضی برای ساختن فعل مستقبل

او رفت زدهر عمر فرسای
و آن کیست که خواست ماند بر جای (ب۲۵۸)

بکار بردن بن ماضی بجای بن مضارع در ترکیبات وصفی

نداشت که نیست باخرد خویش
نداشت که تن به زر کند ریش
بازو زیبی شکم کند ریش (ب۴۰۱)
دانگی مدهش که تا رود پیش (ب۴۲۵)
حذف فعل به قرینه:

در ماتم ار به سر کنی خاک
از شارع آن جازه پاک (ب۲۳۱۹)

بکار بردن «را»ی نشانه مفعول همراه فعل مجهول

...بدین نالهای سوزان نفس خس را خاکستر گردانیده شد و گوهر پاک برادر حسام الدین را که در میان چوب خورد مورچه است روشن گردانیده آمده.

بکار بردن وجه التزامی با فعلهای غیر شخصی: بایستن، شایستن و توانستن گاهی فعلی میسازند که بر شخص معینی دلالت نمیکنند. این فعلها را غیر شخصی میگویند. (دستور زبان فارسی، انوری-گیوی، ج ۲، ص ۷۳).

نتوان ستدن ز پنجه ور رخت
مردانه توانش نام کردن
الا که به زور بازوی سخت (ب۹۵۶)
گر بار کسی کشد به گردن (ب۹۴۷)

بکار بردن فعل از مصدر «ماندن» در معنی متعدی

جانان و نشانه گاه صدتیر
خواهیش بمان خواه بر گیر (ب۱۹۴۶)

بکار بردن فعل مرکب از همکرد «دادن» در معنی «زدن»

دل را به ستیزه سنگ <u>میداد</u>	رخ را ز تپانچه رنگ <u>میداد</u> (ب۷۵۳)
بکار بردن «فرو» و «فرو» بجای یکدیگر	
این کرده به گریه خاک را گل	او گریه فرود خورده در دل (ب۶۰۲)
کونین که از صفت برون است	بالا و فروش کاف ونون است (ب۱۹)
بکار بردن بن مضارع «نشستن» به شکل «شین»	
خواهم شب تیره با تو <u>شینم</u>	تا سایه برابرت نبینم (ب۱۳۹۱)

الف / ۴: ویژگیهای نحوی

تقدم فعل بر سایر اجزای جمله	
میبود ز نیک و بد هراسش	میداشت خرد هنوز پاسش (ب۶۱۸)
میدید کمین نقش بینان	میکرد کران ز همنشینان (ب۶۱۹)
بکار بردن حرف اضافه «به» در معنی «با»	
رفتند بهم بسی جمیله	در نخلستان آن قبیله (ب۲۱۰۴)
در زندگی ار نبود کاری	در خاک بهم بویم باری (ب۲۲۳۰)
بکار بردن «و» در معنای ملازمت و همراهی	
دست من و آستین یارم	گر خلق کنند سنگسارم (ب۱۹۱۳)
بکار بردن «و» در معنای حالیه	
امروز که گشت جان سبکپای	من مرده وانتظار بر جای (ب۲۲۵۱)
بکار بردن اسم جمع در معنی مفرد	
<u>مردم</u> که گرفت راه صحرا	در خانه بری رود به صفا (ب۱۵۰۱)
بکار بردن ضمیر «شان» بجای «ایشان»	
خویشان صنم که آن شنیدند	شان نیز به کین برون دویدند (ب۹۹۵)

بکار بردن صفت مفعولی در معنای صفت فاعلی

<u>دانسته</u> شوی به کاردانی	بر سر صحیفه معانی (ب۳۵۶)
------------------------------	--------------------------

بکار بردن صفت فاعلی در معنای صفت مفعولی:

در بادیه تشنه‌جگرتاب / از دیده خویشتن خورد آب (ب۸۴۵)

بکار بردن صفت شمارشی جدا از معدود آن

جان رفت زسینه دیر شد دیر / نبود دو به یک نیام شمشیر (ب۱۳۹۴)

استفاده مکرر از صفات شمارشی در ابیات متوالی

کامسال دونور از اخترم رفت / هم مادرو هم برادرم رفت
 یک هفته زبخت خفته من / گم شد دو مه دو هفته من
 هجرم ز دو سو کشید کینه / دهرم به دو دهره خست سینه
 بخت از دو شوکنجه داد پیچم / چرخ از دو تپانچه کرد هیچم
 ماتم دو شد و غمم دو افتاد / فریاد که ماتمم دو افتاد
 حیف است دوداغ چون منی را / یک شعله بس است خرمنی را
 یک سینه دو بار برنگیرد / یک سر دو خمار بر نگیرد
 از یک لگد آنکه رخت ریزد / دوم زنیش چگونه خیزد
 این دل که دو سوی می‌گراید / گر شد زمین دو نیم شاید (ابیات ۲۴۱۶-۲۴۰۸)

ب: حوزه ویژگیهای ادبی

فنون بیانی

تشبیه: نخستین و ساده‌ترین راه تفنن در بیان معنی تشبیه است و در شعر، نثر و حتی کلام عادی از آن استفاده میشود. در شعر امیر خسرو تشبیه جایگاه ویژه‌ای دارد. وی با تشبیهات زیبا و مناسب مقام، شعر خویش را زیبا و با آنها مفاهیم خویش را بیان کرده است. در تشبیهات وی گاه یک سوی تشبیه و گاه طرفین تشبیه محسوسند. جهت جلوگیری از اطالة کلام و ذکر موارد تکراری و مشترک در دیگر آثار ادب فارسی، تنها به چند نمونه از نمونه‌های مقوله بیان که مایه هنری این اثر را قویتر میکنند اشاره میشود:

تشبیه مرکب: مراد از تشبیه مرکب گروه کلمات هستند که در آنها چند مفهوم مفرد حالت و هیأتی واحد از مفاهیم را تشکیل داده‌اند. (فنون ادبی، کامل احمدنژاد، ص ۹۱).

خون دلش از صفای سینه / پیدا چو می اندر آبگینه (ب۶۳۱)

گروه کلمات «پیدایی خون دل از پشت صفای سینه» مشبه و گروه کلمات «پیدایی می در جام شیشه‌ای» مشبه به است.

تشبیه به شیوهٔ حرف‌گرایی: یکی از شگردهای خاص امیر خسرو در این اثر، استفاده از حروف زبان فارسی است به عنوان مشبّه و گاه مشبّه به. در نمونه‌های زیر این شگرد مشهود است: در مکتب کاف و نون شب و روز زو جمله رسل دو حرفی آموز^(ب۱۱۳) «کاف نون» که دو حرف فعل عربی کن است در آیه شریفه «وَأَمَّا امْرُءٌ إِذَا ارَادَ أَنْ يُنْفِقَ فَرَأَىٰ عَيْنَٰهَا نَوْنَ مِنَ الْفُلْمَنِ وَالْجَبَلِ نَوْنًا وَنَوْنًا بِرَأْسِ الْوَادِي»^(یس، ۸۲) به صورت مشبّه برای مکتب بکار رفته است. نون والقلمش زحق تعالی چتری زبر ستون والا^(ب۱۱۵) «نون والقلم» بخشی از آیه یکم سوره مبارکه قلم است که بعنوان مشبّه به چتری بر فراز ستون والا همانند شده است. مه میم شود به چرخ و نون هم یعنی که زبحر حسن او نم^(ب۱۱۶) در این بیت شاعره گردی حرف «م» و گردی شکل ماه نظر داشته است و با یک وجه شبه ملموس حرف «م» را مشبّه به قرار داده است.

وصف بر پایهٔ تشبیه

یکی از بارزترین ویژگیهای شعر امیر خسرو، بویژه در خمسه، مهارت و توان بالای وی در توصیف است که همانند یک شاگرد پا جای پای مقتدای خود گذاشته است. بعنوان نمونه توصیف لیلی را از زبان وی نقل میکنیم:

لیلی نامی که مه غلامش	خالش نقطی ز نقش نامش
مشعل کش آفتاب و انجم	دیوانه کن پری و مردم
تاراجگر متاع جانها	بنیادش کاف خان و مانها
سلطان شکرلبان آفاق	لشکر شکن شکب عشاق
گردن زن عافیت فروشان	تشویش ده صلاح کوشان
سر تا به قدم کرشمه و ناز	هم سرکش حسن و هم سرانداز
نازی و هزار فتنه در دهر	چشمی و هزار کشته در شهر
چشمش ز کرشمه مست بیهوش	آهوبره‌ای به خواب خرگوش
خندان چو سمن به تازه رویی	شیرین چو شکر به نغزگویی
از وسوسه چشم دیو بسته	تسبیح فرشتگان گسسته
نی بت که چراغ بت پرستان	طاووس بهشت و کبک بستان
فرموده کلالمه را سواری	داده مژه را سلاحداری
افکنده به دوش زلف چون شست	او بیخبر و نظارگی مست

معجون لبش به درفشانی
همخواه لاله گیسوانش
قندش نمکی طبرزدآلود
خورشید غلامزاده او
اندر صف آن بتان شیرین
چون زهره به ثورو مه به پروین (ابیات ۵۸۰-۵۶۳)

از دیگر ابتکارات و شگردهای خاص شاعر در مبحث تشبیه، بکاربردن صفت که یک مقوله دستوری است در قالب تشبیه که در حوزه علم بیان است می‌باشد. این امر نمود زیبایی کلام شاعر و تسلط وی بر علوم ادبی است:

از تیغ چو آب قطره ای پاک
بنشانند غبار عالم خاک (ب ۲۳۲)

تیغ مشبه، چو ادات تشبیه، و آب مشبه به است، اما شاعر مجموع ادات تشبیه و مشبه به را به عنوان صفت برای آب بکار برده است.

بود از صف آن بتان چون ماه
ماهی که زد آفتاب را راه (ب ۵۶۲)

بتان مشبه، چون ادات تشبیه، و ماه مشبه به است، اما شاعر مجموع ادات تشبیه و مشبه به را به عنوان صفت برای بتان بکار برده است.

تشخیص و جاندار انگاری

میکرد سنان به چشم باریک
مرگ آمد و جان زسینه میروفت
جاسوسی سینه‌های تاریک (ب ۹۹۸)

بر نغمه تیز پای میکوفت (ب ۱۰۰۲)

در نمونه اول جاسوسی کردن که از اعمال انسان است به نشان بیجان نسبت داده شده است و در نمونه دوم شاعر با بخشیدن شخصیت انسانی به مرگ، آنرا بایکوبان تصور کرده است.

بدیع: در اصطلاح اهل ادب و بلاغت عبارت از محسنات و صنایعی که نظم و نثر بلیغ را بدان آریند (ابدع البدایع، شمس العلما گرکانی، ص ۲۳). معمولاً کسانی که در حوزه نظم و نثر فارسی قلم می‌زنند، ملزم به دانستن فنون و آرایه‌هایی هستند که کلام آنان را زیباتر و آراسته‌تر از نثر جلوه دهد و راغبان کلام را افزونتر نماید. امیر خسرو نیز از جمله کسانی است که مهارت خود را به نمایش گذاشته است. در این قسمت نیز سعی بر آن شد تا جهت جلوگیری از اطالة کلام از ذکر موارد مشترک و بدیهی مقوله بدیع خودداری گردد.

پارادوکس: یا متناقض‌نما از جمله آرایه‌هاییست که تنها دو نمونه از آن در این اثر یافت شد. و ر غم رسد از تو نیز شادم
وین شادی غم همیشه بادم (ب ۲۰۴۶)

شادبودن از غم، ترکیبی است که وجود یکی متناقض وجود دیگری است. **واج آرایی (نغمه حروف):** جز انواع جناس که با ایجاد آهنگ جدیدی، وزن و آهنگ شعر را غنی‌تر میکند، هماهنگیهای صوتی دیگری در شعر شاعران بزرگ هست که یکی از مهمترین آنها، ایجاد آهنگ با تکرار یک حرف است در کلمات یک مصرع یا یک بیت که در بلاغت غربی به آن **Alliteration** میگویند. این آرایه نیز در حد قابل توجهی در این اثر یافت میشود.

کژپایک را که کژکنی پای کژکژخزد و گریزد از جای^(ب۳۱۲)
در این بیت تکرار صامت‌های «ک، ژ» آهنگ خاصی را به کلام بخشیده است.

اعنات و لزوم مالایلم: آنست که شاعر یا نویسنده، به قصد آرایش کلام یا هنرنمایی آوردن حرف یا کلمه‌ای را ملتزم شود که در اصل لازم نباشد (فنون بلاغت و صناعات ادبی، جلال‌الدین همایی، ص ۷۴).
مثال: تکرار واژه جگر

پیر از خبری چنان جگر دوز زد نعره‌ای از درون جگر سوز
خون از جگر دریده میریخت نی نی که جگر زدیده میریخت
هر جا جگرش به چشم تر بود کش دل سوی گوشه جگر بود
از دم همه خون جگر همی کرد وز بی جگری جگر همی خورد
اشکش به جگر نمک نه کم داشت گویی جگر و نمک بهم داشت^(ابیات ۷۴۲-۷۳۷)

ب/ ۲-۱۷: تلمیح: این هنر به خوبی و با مهارت بسیار مورد توجه شاعر بوده است بگونه‌ای که بالغ بر ۱۵۰ مورد تلمیح و اقتباس از آیات و احادیث در این کتاب یافت شده است که به دو گونه میباشد:

الف) تلمیح به آیات و احادیث

ای قدرت تو به چیره دستی از نیست پدید کرده هستی^(ب۱۰)
اشاره به آیه شریفه: **بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**.
بقره/ ۱۱۷، نیز: انعام/ ۱۰۱ و نیز اشاره به حدیث: **الحمد لله الذي لا من شيء كان ولا من شيء يكون ما قد كان**. (شرح گلشن راز، علامه طباطبایی، ص ۵۲)

هرچه از تو گمان برم به چونی آن من بوم و تو زان برونی^(ب۲۷)
اشاره دارد به آیه شریفه: **سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا**. اسراء/ ۴۳.

شکر تو که بهر کام‌توزی است مفتاح خزینه‌های روزی است^(ب۷۲)

اشاره دارد به آیه شریفه: **وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**. ابراهیم ۷، نیز خطبه ۱۵۷ نهج البلاغه: **أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحاً لِذِكْرِهِ، وَ سَبَباً لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ، وَ دَلِيلاً عَلَى آيَاتِهِ وَ عَظَمَتِهِ**.

ب: اقتباس از آیات قرآنی

یاسین زده‌شانس در فشانده طاهش و ان یکاد خوانده (ب۱۱۴)
زانجا که به زندگانی خوب بردی رقمی زغیر مغضوب (ب۲۴۵۳)

معانی

فصاحت کلمه

فصاحت کلمه خالی بودن آن است از چهار عیب: تنافر حروف، غرابت استعمال، مخالفت قیاس و کراهت در سمع. (معالم البلاغه، محمدخلیل رجایی، ص ۳)

ب/۳-۱: تنافر حروف

چون کار جهانست غم فروشی تو نیز سوی جهان چه کوشی (ب۷۷۸)
در کلمه جهانست، چهار حرف ساکن بی فاصله پشت سر هم واقع شده‌اند که خواندن کلمه را دشوار ساخته است.

ب/۳-۲: **تتابع اضافات**: اضافه عبارتست از نسبت اسمی به اسمی برای متمیم معنی (اضافه، معین، ص ۲۴۷). **تتابع اضافات** در فارسی تا سه تا جایز است بیش از آن محل فصاحت میشود (دستور زبان فارسی، کاشف، ص ۵۴).

ای جلوه‌گر بهار خندان بیناکن چشم هوشمندان (ب۱۱)
ب/۳-۳: **ایجاز**

طفلان به نظاره سنگ در دست اینش زد و آن شکست و آن خست (ب۷۲۵)
ب/۳-۴: **حشو**

دیدش چو چراغ مرده بی نور - دور از من و تو- ز خویشتن دور (ب۷۵۶)
ب/۳-۵: **کثرت تکرار**

از دم همه خون جگر همی کرد وز بی جگری جگر همی خورد (ب۷۴۱)

ج) حوزه ویزگیهای فکری

بازتاب اندیشه‌های صوفیانه

اکنون قـدري در معانی ریزم به سر جنید ثانی
قطب زمن و پناه ایمان سر جمله جمله کریمان

در حجره فقر پادشاهی
بر مه ز گلیم برده رایست
در پرده غیب محرم راز
در عالم وحدت ایستاده
از خواجگی آستین کشیده
گر فقر به اختیار یابی
گشتم به یگانگی چنان چست
اندیشه‌های کلامی

در بیان معراج پیامبر(ص) مانند نظامی معتقد به رؤیت خداوند با چشم سر است. نظامی گوید:

دید پیامبر نه به چشمی دگر
بلکه بدین چشم سر این چشم سر
(مخزن الاسرار، بکوشش بهروز ثروتیان، ص ۱۹)

امیر خسرو

دید آنچه عباتش نسجد
دیدار خدای دید بی عیب
ز آن گفت و شنید بی کم و کاست
استفاده از بعضی تعابیر شرعی

مستی چو کرم بود جمالست
در باده نمک زنی حلال است (ب ۳۹۵)
چون شراب سکرآور است در شرع مقدس از خوردن آن منع شده است و جزء نجاسات محسوب میشود. یکی از خواصی که برای نمک برشمرده‌اند این است که: نمک شراب را تبدیل به سرکه میکند:

از نشاء می دوستیم رنگ ندارد
از پاس نمک سرکه شود باده نابم
(فرهنگ اشارات، دکتر شمیسا، ص ۱۱۸۶)

نتیجه

بنابراین آنچه گفته شد مثنوی مجنون و لیلی امیر خسرو بر اساس پنج نسخه از کهنترین نسخه‌های خطی موجود در ایران، تصحیح انتقادی شد. این مقاله به معرفی این نسخه، پرداخته است. همچنین شناخت ویژگیهای سبکی این کتاب در سه سطح زبانی، ادبی و فکری مورد بررسی قرار گرفت. امیر خسرو بخوبی از واژگان رایج و کهن بهره برده و هر جا که لازم دانسته به ساخت ترکیبات روی آورده است. او این آموزه را از استاد مسلم خودش

نظامی به ارث برده است. جایگاه اسم و توابع آن مانند صفات و مضاف‌الیه را خوب شناخته، صفات را به نحو عالی بکار گرفته است و در کاربرد ضمائر، بویژه ضمائر متصل دقت کافی به خرج داده است. ناهمگونی میان اجزای کلام دیده نمیشود و سخن از یکدستی و هماهنگی کامل برخوردار است. ابیات سست و ضعیف در آن دیده نشده، اگرچه صلابت اشعار نظامی را ندارد، اما در جای خود قوی و قابل تحسین است.

در سطح ادبی در قسمت معانی تنها یک مورد تنافر حروف دیده شد که این یک مورد خدشه‌ای به فصاحت کلام امیر خسرو وارد نمیکند. در این مقوله آنچه که قابل تأمل است کثرت تکرار است. بعضی واژگان بسامد بالایی دارند؛ مثلاً، واژه «جگر» شصت و هشت بار تکرار و در پنج بیت متوالی دوازده بار تکرار شده است. چون این اثر یک داستان منظوم غنایی است بیان را بسیار عالی به خدمت گرفته است، خاصه در دو مقوله تشبیه و استعاره. از بدیع خاصه بدیع معنوی در نهایت استادی استفاده کرده و در قسمت مراعات‌النظیر و تلمیح به آیات و احادیث مهارت و استادی خویش را به نمایش گذاشته است.

امیر خسرو در محضر مراد خویش شیخ نظام‌الدین اولیای بدایونی از رهبران فرقه چشتیه اصول طریقت را فرا گرفت و گرچه داستان مجنون و لیلی داستانی عاشقانه است، اما اندیشه‌های صوفیانه شاعر در جای‌جای داستان خود را نشان داده است. موضوع معراج پیامبر (ص) از دیرباز مورد توجه شاعران با مسلک‌های جبری یا قدری بوده است. این موضوع نیز از مواردی است که ذهن شاعر را به خود معطوف داشته است. بعضی مسائل شرعی نظیر استحاله در ذهن شاعر جای‌داشته و در شعر او به ظهور رسیده است.

منابع

۱. قرآن حکیم
۲. نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی (۱۳۸۶)، انتشارات علمی و فرهنگی
۳. ابداع البدایع، شمس‌العلماء گرگانی، حاج محمد حسین، بکوشش حسین جعفری (۱۳۷۷)، انتشارات احرار تبریز، چاپ اول
۴. اضافه، معین، محمد، (۱۳۷۰) انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم
۵. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح‌الله، ج ۳، (۱۳۶۹) انتشارات فردوس، چاپ ششم
۶. تذکره دولت‌شاه سمرقندی، تصحیح محمد عباسی (۱۳۳۷) انتشارات کتابفروشی بارانی، تهران

۷. دستور زبان فارسی، انوری، حسن، احمدی گیوی، حسن، ج ۲، (۱۳۶۸) انتشارات فاطمی، چاپ سوم
۸. دستور زبان فارسی، کاشف، غلامحسین، (۱۳۲۸) استامبول
۹. دیوان کامل دهلوی، امیر خسرو، با مقدمه سعید نفیسی (۱۳۴۴)، انتشارات جاویدان، تهران
۱۰. سبک شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد (۱۳۸۱) انتشارات جامی، چاپ اول
۱۱. شرحی بر گلشن راز، طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۶) انتشارات احیاء کتاب، تهران، چاپ سوم
۱۲. فرهنگ اشارات، شمیسا، سیروس، (۱۳۸۷) نشر میترا، تهران، چاپ اول
۱۳. فرهنگ توصیفی ادبیات و نقد، کادن، جی، ترجمه کاظم فیروزمند (۱۳۸۰) نشر شادگان، چاپ اول
۱۴. فن بیان در آفرینش خیال، ثروتیان، بهروز، (۱۳۸۳) انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول
۱۵. فنون ادبی، احمدنژاد، کامل، (۱۳۷۴) انتشارات پایا، چاپ دوم
۱۶. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، (۱۳۶۷)، مؤسسه نشرهما، چاپ چهاردهم
۱۷. لغت نامه دهخدا، علی اکبر، (CD)، روایت چهارم، انتشارات دانشگاه تهران
۱۸. مجله هلال، ریاض، محمد، (۱۳۹۱ قمری) شماره مسلسل ۱۱۳، پاکستان
۱۹. مخزن الاسرار، نظامی گنجوی، بکوشش دکتر بهروز ثروتیان (۱۳۸۶) انتشارات سبزان، چاپ دوم
۲۰. معالم البلاغه، رجایی، محمدخلیل (۱۳۵۹) انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ سوم

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop